

The Lifestyle of Velyei of Martyr Qassem Soleimani

Alireza Zamzam^{ID*}

Article Info

Article Type:

Research Article

Keywords:

Qassem Soleimani,
Velayat Faqih,
Imam Khomeini (RA),
Ayatollah Khamenei,
Lifestyle.

Submitted: 13 May 2024

Revised: 2 July 2024

Accepted: 10 July 2024

Published: 10 September 2024



ABSTRACT

Martyr Qassem Soleimani was trained in the school of imams (AS) in the framework of the school of thought presented by Imam Khomeini (RA) and Ayatollah Khamenei. One of the aspects of his behavior is the acceptance of Shahid Soleimani. Many theoretical debates have been raised by experts and jurists regarding the province and the acceptance of province. Martyr Soleimani has translated governorship from another point of view and with a novel example, which is more prominent than others. With this approach, this article deals with the acceptance of governorship in the school of martyr Soleimani, in order to place his attitude, practical course and way of life as a governor as a shining light for all governors.

Cite This Article: Zamzam, A. (2024). The lifestyle of velyei of martyr Qassem Soleimani. *Journal of Haj Qassem Soleimani School*, 1(1), 159-164 [In Persian].

Publisher: Shahid Bahonar University of Kerman.

DOI: [10.22103/mhq.2024.23414.1018](https://doi.org/10.22103/mhq.2024.23414.1018)

©The Author(s)

سبک زندگی ولایی شهید قاسم سلیمانی

علیرضا زمزم*^{1b}

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	شهید قاسم سلیمانی تربیت یافته مکتب ائمه (ع) در چارچوب مکتب فکری ارائه شده به وسیله امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای است. یکی از جنبه‌های رفتاری وی، ولایت‌پذیری شهید سلیمانی است. در مورد ولایت و ولایت‌پذیری مباحث تئوریک بسیاری از جانب صاحب‌نظران و فقهاء مطرح شده است. شهید سلیمانی از منظری دیگر و با الگویی بدیع ولایت‌پذیری را ترجمه کرده است که جنبه الگودهی آن نسبت به بقیه برجسته‌تر است. این مقاله با این رویکرد به ولایت‌پذیری در مکتب شهید سلیمانی می‌پردازد، تا از این رهگذر نگرش و سیره عملی و سبک زندگی ولایی او را به مثابه چراغی فروزان فراراه همه ولایت‌مداران قرار دهد. هدف مقاله آشنایی با نحوه نگرش و التزام عملی شهید سلیمانی در خصوص یکی از مسایل اعتقادی و دینی با استفاده از روش کتابخانه‌ای و تحلیل محتوای آثار مکتوب وی است. نویسنده بر این باور است که وی ضمن معرفت عمیق به این مسأله دینی یعنی ولایت فقیه، از معدود مدافعان و ملتزمین عملی به این اندیشه بود. رفتار عملی او در دوران دفاع مقدس و فرماندهی سپاه قدس در رکاب ولی فقیه زمانه خود گویای این سبک زندگی ولایی شهید سلیمانی است.
کلیدواژه‌ها: قاسم سلیمانی، ولایت فقیه، امام خمینی (ره)، آیت‌الله خامنه‌ای، سبک زندگی.	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۲/۲۴	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۴/۱۲	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۴/۲۰	
تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۳/۶/۲۰	
	
استناد: زمزم، علیرضا (۱۴۰۳). سبک زندگی ولایی شهید قاسم سلیمانی. مجله مکتب درس‌آموز حاج قاسم سلیمانی، ۱(۱)، ۱۶۴-۱۵۹.	
ناشر: دانشگاه شهید باهنر کرمان	
©The Author(s)	
DOI: 10.22103/mhq.2024.23414.1018	

مقدمه

اندیشه ولایت فقیه، سابقه‌ای دیرینه و کهن دارد. از دوران پیامبر (ص) و ائمه (ع) ارجاع به فقها و اسلام‌شناسان در تاریخ تشیع ثبت شده است. «در این دوره‌ها افراد صاحب‌نظر دارای ملکه اجتهاد مرجع بسیاری از امور قرار می‌گرفتند» (جهان‌بزرگی، ۱۳۷۸: ۲۱-۲۲). افزون بر این، طرح تداوم رهبری «نخبگان دینی» به وسیله پیامبر (ص) حکایت از این دارد که «ولایت فقیه را نخستین بار او نظراً و عملاً پایه‌گذاری نموده است» (همان: ۲۹). ولایت به معنای نصرت، یاری، تصدی امر غیر، سلطه و سرپرستی است. فقه به آن بخش از شریعت گفته می‌شود که مربوط به احکام عملی انسان در رابطه با خدا و خویش و دیگران است (ر. ک. عمید زنجانی، ۱۳۷۳: ۲۲). معنای اصطلاحی فقه عمدتاً از زمان غیبت امام معصوم (ع) باب شده است. گرچه فقهای شیعه در زمان امام معصوم (ع) نیز بنا به تشویق ائمه (ع) دست به اجتهاد زده‌اند (همان: ۳۲). با شروع غیبت کبری، ولایت فقیه، به‌عنوان یک امر مسلم به وسیله فقهاء در خلال مباحثی مثل خمس زکات و اجتهاد مطرح شد. از جمله فقهای که به این موضوع پرداخته‌اند، عبارتند از: محقق کرکی، محمدحسن نجفی، شیخ مفید، ابن ادریس حلی، کاشف الغطاء و ... (ر. ک. واعظی، ۱۳۸۵: ۱۲۷-۱۳۲).

نخستین فقیه‌ای که ولایت فقیه را به صورت یک مسئله فقهی مستقل مطرح کرد، ملا احمد نراقی است. از نظر وی ولی فقیه در دو چیز ولایت دارد. ۱- در همه اموری که پیامبر (ص) و ائمه (ع) در آن‌ها صاحب اختیار بوده و ولایت داشته‌اند. ۲- در همه اموری که با دین و دنیای بندگان خدا ارتباط دارد و باید انجام شود. (النراقی، ۱۳۷۵: ۵۳۶). امام خمینی (ره) نیز به ولایت فقیه به عنوان یک مسئله فقهی پرداخته است. وی افزون بر طرح وجه ذهنی این نظریه به وجه عملی آن نیز اهتمام ورزید. وی در کتاب کشف اسرار به صورت اجمالی ولایت فقیه را مطرح کرده است. (ر. ک. موسوی خمینی، ۱۳۲۳: ۱۸۱-۱۸۵). در این کتاب به جای «ولایت فقیه»، از عنوان «حکومت اسلامی» استفاده شده است (همان: ۲۲۲). وی در سال ۱۳۴۸ در درس خارج فقه، این موضوع را به تفصیل بحث کرد که به صورت کتابی با نام ولایت فقیه منتشر شده است (موسوی خمینی، ۱۳۷۳: ۱۱۴). افزون بر این در کتاب البیع که موضوع آن فقه استدلالی است، در جلد دوم به این موضوع پرداخته است (موسوی خمینی، ۱۳۶۹: ۳۷-۱۰۵).

کاربرد این مفهوم در عصر جمهوری اسلامی ایران، با طرح و نهادینه شدن نظریه ولایت فقیه، بسیار فراتر از گذشته رونق گرفت. عملیاتی شدن این نظریه و نقش رهبری در هدایت انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و سایر تحولات، باعث برجسته شدن مفهوم ولایت‌پذیری شد. اهمیت ولایت‌پذیری در دوران دفاع مقدس، در کنار قرآن و اسلام، گزاره اصلی و پرتکرار در وصیت‌نامه شهدا بود که تأثیر آن بر نسل کنونی جای انکار نیست. یکی از جنبه‌های زندگی سراسر درس شهید قاسم سلیمانی توجه به بُعد معرفتی و سبک زندگی ولایه‌ای وی است که خود تربیت یافته مکتب فکری امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای است. در این پژوهش درصدد بررسی سبک زندگی ولایه‌ای، ولایت‌شناسی و ولایت‌پذیری در مکتب شهید سلیمانی آن هستیم.

سؤال اصلی پژوهش معطوف به ولایت‌شناسی و ولایت‌پذیری شهید سلیمانی است. بررسی و مطالعه رفتار شهید سلیمانی حکایت از اعتقاد و التزام وی به ولایت فقیه دارد. از نظر او ولایت فقیه در امتداد ولایت و حاکمیت خدا، رسول خدا (ص) و ائمه (ع) است. شهید سلیمانی در بعد نظری و پذیرش این اندیشه و به ویژه در بعد عملی از معدود مدافعان راستین ولی فقیه زمانه خود بود و جایگاه خود را از این منظر نسبت به ولی فقیه بسان جایگاه مالک اشتر نسبت به امام علی (ع) می‌دانست.

به رغم طرح بحث ولایت در تاریخ تشیع، ولی مصادیق معرفتی و التزامی آن انگشت شمار است. از نظر نویسنده نحوه مواجهه شهید سلیمانی با مقوله ولایت از حیث معرفت و اعتقاد عملی، الگویی بدیع است. او به ولایت اعتقاد داشت و ولی فقیه را به تمام وجود قبول داشت و لذا از صدر تا پایان وصیت‌نامه دغدغه اصلی او ولایت فقیه است به‌گونه‌ای که دال مرکزی و گزاره اصلی این وصیت‌نامه ولایت‌پذیری شده است. از نظر پیشینه، در خصوص موضوع مقاله‌ای با عنوان جایگاه ولایت در مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی در مجله مشرق موعود به قلم اکبر اشرفی چاپ شده است. وی بدون اشاره به سبک زندگی ولایه‌ای شهید در این مقاله جایگاه ولایت فقیه را از منظر او به عنوان یکی از اضلاع مثلث تشکیل دهنده مکتب حاج قاسم در کنار دوضلع خدامحوری و جهاد بحث کرده است (اشرفی، ۱۴۰۱: ۲۰۱). این پژوهش درصدد بررسی این موضوع به صورت مستقل است و با توجه به فقر منابع، تأکید بر مهمترین متن مکتوب وی یعنی وصیت‌نامه شهید سلیمانی است، تا از این رهگذر الگویی قابل دسترس به ولایت‌مداران معرفی شود. وی در این متن نه مثل یک صاحب‌نظر و فقیه یا متکلم، بلکه از منظر یک سرباز فداکار، جنبه معرفتی و التزامی ولایت‌پذیری را ترجمه

میدانی کرده است. از منظر روش، از روش تحلیل محتوا به عنوان یک روش معمول در تحقیقات کیفی استفاده می‌شود. در این روش ضمن گردآوری داده‌ها و اطلاعات از خلال متون مکتوب شهید سلیمانی به عنوان جامعه آماری، اعم از نامه‌ها، خاطرات و به ویژه وصیت نامه به عنوان اصلی‌ترین منبع، ذهن و رفتار وی در خصوص موضوع مورد پژوهش قرار می‌گیرد. داده‌های مورد استفاده در این مقاله از متون مکتوب استخراج گردیده و از ابزارهایی مثل مصاحبه و پرسشنامه استفاده نشده است.

ضرورت و اهمیت پژوهش از این جهت است که با شناخت سبک زندگی و سیره ولایی شهید سلیمانی، می‌توان او را به عنوان الگویی جامع، جهت تربیت نسل جوان معرفی و سبک وی را در خصوص شناخت امام و ولی خود و پیروی از دستورات و رهنمودهای او نشان داد. توجه به جنبه الگویی و معرفی یک الگوی کامل از ولایت‌شناسی و ولایت‌پذیری برای جامعه، هدف اصلی مقاله است.

بحث

شهید قاسم سلیمانی گرچه فقیه و نظریه‌پرداز ولایت فقیه نبود و در ارائه وجه ذهنی و تئوریک این نظریه تخصص نداشت، ولی از حیث اعتقاد و التزام عملی به این اندیشه از معدود افرادی بود که تلاش وافر برای عملی کردن آن نمود. با توجه به این اصل که همه نظریه‌های اجتماعی تحت‌تأثیر زمینه‌های اجتماعی‌شان شکل می‌گیرند، شهید سلیمانی از طریق تبلیغ و ترویج اندیشه ولایت فقیه و عمل به رهنمودهای رهبری، زمینه اجتماعی وسیعی برای عملیاتی کردن این نظریه نه تنها در ایران، بلکه در جهان اسلام فراهم آورد. تلاش‌های او در دوران دفاع مقدس به عنوان فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله، فرماندهی عملیات‌های مقابله با اشراق در شرق کشور، و فرماندهی نیروی قدس سپاه پاسداران، زمینه‌های نظری و عملی در حوزه‌های مختلف نظامی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و بین‌المللی برای نظریه ولایت فقیه فراهم کرد. افزون بر حضور میدانی در عرصه‌های نظامی، از طریق راه‌اندازی مکانی دائمی در کرمان، برای تبلیغ و ترویج اندیشه‌های دینی و اسلامی، ولایت‌پذیری خود را توسعه داد.

مبانی فکری شهید سلیمانی اعم از مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی خاستگاه الهی دارد. در وصیت‌نامه خود به خدا و رسول خدا (ص) و ائمه (ع) و اصول دین شهادت می‌دهد و به حق بودن قیامت، قرآن، بهشت و جهنم معتقد است و به خاطر نعمت‌هایی مثل درک زمانه امام خمینی و درآمیختن با شهدا و رهروی راه حضرت فاطمه (س) و فرزندانش از خداوند تشکر می‌کند و به رغم استغاثه به درگاه الهی، ولی به فضل و کرم او امیدوارانه می‌نگرد.

وی وصیت‌نامه خود را از خدا شروع و به ولایت ختم می‌کند، شهید سلیمانی با درک زمانه امام خمینی، محصول مکتب فکری او گردید و خود نیز الگوی برای دیگران شد. این مقاله از بین همه الگوها و جنبه‌های زندگی شهید سلیمانی، به جنبه ولایت‌پذیری و سبک زندگی ولایی او می‌پردازد و وجوه مختلف ولایت‌پذیری وی را به عنوان الگو معرفی می‌کند.

کلیدواژه و دال مرکزی وصیت‌نامه وی ولایت فقیه است. اعتقاد او به ولایت فراتر از حد متصور در مورد دیگران است. او حاضر بود لحظه لحظه عمر خود را در رکاب ولی فقیه زمان خود سپری کند.

از اینکه زمانه امامین انقلاب (امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای) را درک کرده از خداوند تشکر می‌کند. توصیفات که در وصیت‌نامه در خصوص آیت‌الله خامنه‌ای آورده است، بیانگر عمق توجه قلبی و عملی وی به ولایت فقیه است. وی با چنین پشتوانه عقیدتی و معرفتی خود را در جایگاه مالک اشتر (اکبری، ۱۳۹۸: ۱۴۸) در مواجهه با هر خطر و سختی قرار می‌دهد تا دستورات و فرامین رهبری بر زمین نماند. تفاوت شهید سلیمانی با سایر کسانی که در مورد ولایت فقیه تئوری‌پردازی کرده‌اند، در این است که وی ولایت فقیه را در عمل ترجمه و تجربه کرده است. این نحوه مواجه شدن با موضوع ولایت فقیه جنبه ابدایی دارد و می‌تواند به عنوان الگو برای دوستداران شهید مطرح شود. در وصیت‌نامه در خصوص ولایت فقیه مطالبی مطرح کرده است که پژوهشگر به برخی از آنها می‌پردازد.

محور بودن ولایت فقیه از منظر شهید سلیمانی

شهید سلیمانی در وصیت‌نامه خود با خطاب قراردادن برادران و خواهران مسلمان، می‌نویسد: اسلام همواره نیازمند رهبری است که به امام معصوم (ع) متصل و منصوب از طرف او باشد. وی با اشاره به اینکه در زمان ما، امام خمینی (ره) اسلام را احیا و ولایت فقیه را تنها نسخه نجات‌بخش امت اسلام قرار داد، از همه مسلمانان (شیعه و اهل سنت) می‌خواهد که برای نجات اسلام، خیمه ولایت را رها نکنند. تعلیل این عدم‌رهایی از منظر شهید سلیمانی معطوف به ارتباط مستقیم بین ولایت فقیه و خیمه رسول الله است. شهید سلیمانی دشمنی‌ها با جمهوری اسلامی را در چارچوب همین پیوند تحلیل می‌کند و می‌نویسد: «اگر این خیمه آسیب ببیند، بیت‌الله الحرام و مدینه حرم رسول الله

و نجف، کربلا، کاظمین، سامرا و مشهد باقی نمی‌ماند، و قرآن آسیب می‌بیند. وی در این متن از واژه «محور» برای ولی فقیه استفاده می‌کند. این محور بودن با اقتباس از سخنان امام علی (ع) در خصوص جایگاه خود نسبت به پیامبر (ص) است، که امام علی (ع) نقش و جایگاه خود را قطب و محور جامعه تعریف کرد (نهج البلاغه، خ ۳). شهید سلیمانی گستره و چتر رهبری را فراتر از تقسیم‌بندی‌های رایج شیعه و سنی تعریف می‌کند و ولایت فقیه را محور و خیمه نجات‌بخش اسلام، تشیع و ایران می‌داند. وی مبنای حرکت خود را اسلام معرفی می‌کند و دفاع از نظام اسلامی جمهوری اسلامی را، با دفاع از اسلام مساوی تلقی می‌کند، این تساوی را به عبارتی از امام خمینی که فرمود «دفاع از نظام از اوجب واجبات است» مستند می‌کند (اکبری، همان: ۱۴۷). وی ضمن اشاره به امنیت ایران به‌رغم کانون‌های ناامنی پیرامون آن، می‌گوید: چون نظام اسلامی است، ارزش این را دارد که هزاران نفر برای آن شهید شوند. شهید سلیمانی که خود درگیر بحران‌ها و چالش‌ها بوده، در مورد جایگاه ولی فقیه در حل بحران‌ها می‌گوید: «ما اگر ولایت فقیه را نداشتیم، در همان روزهای اول انقلاب کارمان تمام بود. اگر ولایت فقیه نداشتیم، در همه این بحران‌ها کارمان تمام بود (همان: ۱۵۹).

رابطه ولایت فقیه و ولایت ائمه (ع) از منظر شهید سلیمانی

از منظر فلسفه سیاسی شیعه حکومت و حاکمیت در اصل از آن خداست در این مورد آیات مختلفی وجود دارد از جمله: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأَخَذُوا فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ» (مائده، ۹۲)، «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائده/ ۵۵)، «... إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ يَقْضُ الْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ» (انعام/ ۵۷) و «... إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ» (یوسف/ ۶۷). حاکمیت و ولایت دیگران از جمله پیامبر (ص) و امام معصوم (ع) باید به اذن خدا باشد. چون اصل عدم ولایت است، افرادی که اذن دارند از این اصل استثنا شده‌اند.

در دوره غیبت، فقها و اسلام‌شناسان از اصل عدم ولایت استثنا شده‌اند و لذا امام خمینی می‌گوید: «اگر فرد لایقی که دارای دو خصلت باشد به پا خاست و تشکیل حکومت داد، همان ولایتی را که حضرت رسول اکرم (ص) در امر اداره جامعه داشت دارا است، ... (امام خمینی، ۱۳۷۳: ۴۰) منظور از دو خصلت، دو شرط اساسی زمامداری در دوره غیبت «۱- علم به قانون، ۲- عدالت» است. (همان: ۳۷).

براساس این مبانی دینی، سردار سلیمانی به عنوان شاگرد مکتب ائمه (ع) و امام خمینی (ره)، ولایت فقیه را تداوم حکومت امام معصوم (ع) می‌داند و خطاب به مردم کرمان در وصیت‌نامه خویش می‌نویسد: «دوست دارم کرمان همیشه و تا آخر با ولایت بماند. وی درباره این توصیه خود چنین تعلیل می‌کند «این ولایت ولایت، علی ابن ابیطالب است و خیمه او خیمه حسین فاطمه است». وی ولایت فقیه و جمهوری اسلامی را همدریف اسلام و مقدسات قرار می‌دهد و می‌نویسد: «وصیت می‌کنم اسلام را در این برهه که تداعی یافته در انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی است، تنها نگذارید... در مسائل سیاسی آنجا که بحث اسلام، جمهوری اسلامی، مقدسات و ولایت فقیه مطرح است ... حمایت کنید».

نقش امام خمینی (ره) در احیای ولایت فقیه از منظر شهید سلیمانی

گرچه ولایت فقیه دارای قدمت و سابقه دیرینه‌ای در فقه سیاسی شیعه است، ولی در دوره جدید این اصطلاح با نام امام خمینی (ره) پرآوازه و مشهور شد. علت این مسئله، کنش معطوف به عمل امام خمینی نسبت به این اندیشه است. یعنی به رغم اینکه فقهاء به طرح بحث ولایت فقیه به صورت غیرمستقل در کتاب‌های خود پرداخته‌اند، امام خمینی (ره) ضمن طرح ولایت فقیه به‌عنوان یک مسئله مستقل فقهی، در بعد اجرایی و عملیاتی این اندیشه نیز تلاش مضاعف نمود. وی با رهبری مراحل سه‌گانه نهضت، انقلاب و نظام، برای نخستین بار نظام سیاسی در چارچوب نظریه ولایت فقیه ارائه و تثبیت کرد.

شهید سلیمانی با توجه به سابقه امام خمینی در بنیانگذاری جمهوری اسلامی در چارچوب نظریه ولایت فقیه، در وصیت‌نامه خود از وی به نیکی یاد می‌کند و از اینکه دوران امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای را درک کرده است، از خداوند سپاسگذاری می‌نماید. وی در مورد ولایت فقیه به‌عنوان میراث امام خمینی (ره) از علماء و مراجع درخواست‌هایی دارد و از آنان می‌خواهد بدون ملاحظه از انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی و ولی فقیه حمایت کنند. وی در این خصوص در وصیت‌نامه می‌نویسد: «... راه امام مبارزه با آمریکا و حمایت از جمهوری اسلامی و مسلمانان تحت ستم آمریکا، تحت پرچم ولی فقیه است ... حق واضح است. جمهوری اسلامی و ارزش‌ها و ولایت فقیه میراث امام خمینی هستند و می‌بایست مورد حمایت جدی قرار گیرند.» وی از مراجع و علما می‌خواهد که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را مورد حمایت قرار دهند.

وی در جای دیگر ضمن تجلیل از هوشمندی امام خمینی، حکومت اسلامی بدون ولایت فقیه را بی‌معنا می‌داند و معتقد است «امام (ره) اسلام‌شناس بزرگی بود و با دقت کانون‌های این حکومت را بر مبنای اسلام بنا گذاشت. بدون ولایت فقیه حکومت اسلامی معنایی ندارد. به این دلیل فرمود پشتیبان ولایت فقیه باشید تا به این کشور آسیبی نرسد» (ر. ک. اکبری، ۱۳۹۸: ۱۵۹).

تجلیل از ولایت و رهبری آیت‌الله خامنه‌ای

در جمهوری اسلامی ایران، چند اصل مهم مدنظر است که جایگاه افراد را با آنها محک می‌زنند. این اصول عبارتند از: ولایت فقیه، جمهوری اسلامی، نظام سیاسی. شهید سلیمانی با اشاره به اینکه انقلاب اسلامی شکست‌ناپذیر است و مبنای الهی بر بقا و پیروزی آن است، ولایت فقیه را یکی از اصول مهم می‌داند و معتقد است «... اصل، ولایت فقیه است، اصل جمهوری اسلامی است، اصل نظام اسلامی است. این جا جایی است که اگر به‌خطر افتاد، اگر کسی با آن مواجه شد، ما با جان‌مان با او مواجه می‌شویم» (ر. ک. همان: ۱۵۹). وی دو ثقل مهم امام خمینی (ره) را عبارت از «جمهوری اسلامی» و «ولایت فقیه» می‌داند و درخصوص آیت‌الله خامنه‌ای می‌گوید: «... این ولی فقیه که اصلح‌ترین، احکم‌ترین و در بین همه علماء و بزرگان ما برجسته‌ترین است، مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله امام خامنه‌ای است...» (همان: ۱۵۸-۱۵۹).

شهید سلیمانی در وصیت‌نامه خود خطاب به ایرانیان، ولایت فقیه را از اصول و امور مقدس می‌داند و می‌نویسد: «... از اصول مراقبت کنید، اصول یعنی ولی فقیه، خصوصاً این حکیم، مظلوم، وارسته در دین، فقه، عرفان، معرفت، خامنه‌ای عزیز را عزیزان خود بدانید، حرمت او را حرمت مقدسات بدانید». وی راه رسیدن به وحدت حقیقی را توجه به اصولی مثل ولایت فقیه می‌داند. افزون بر این از نظر وی اصل نگاه دارنده نظام نیز ولی فقیه است. شهید سلیمانی تنها راه موفقیت را پیروی از آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان حکیمی وارسته و عجیب شده با امام خمینی (ره) می‌داند (همان: ۱۵۷). وی ضمن استفاده از واژه «امام» خطاب به رهبری، جمهوری اسلامی ایران را دارای مرام و اصولی می‌داند که در مردم، قوانین، حکومت و رهبری تبلور یافته است (همان: ۱۳۷).

نقش اعتقاد عملی به ولایت فقیه در احراز مسئولیت‌ها

براساس آموزه‌های دینی سپردن امانات به افراد با صلاحیت توصیه شده است. در قرآن نیز بر این مسئله تأکید شده است. (نساء/ ۵۸). در هر نظام سیاسی نیز برای احراز مسئولیت‌ها به تناسب فرهنگ و نظام سیاسی یک سری شرایط و صفات در نظر گرفته می‌شود. در جمهوری اسلامی ایران نیز براساس قوانین، التزام عملی به نظام جمهوری اسلامی ایران و ولایت فقیه، از شرایط احراز مسئولیت‌هاست. شهید سلیمانی با مفروض دانستن محوریت ولایت فقیه، اعتبار افراد را به میزان تبعیت آنان از ولی فقیه مرتبط می‌داند و از آنان می‌خواهد حول محور و اصول ولایت فقیه، جمهوری اسلامی، حمایت از مردم و مقابله با دشمنان توافق کنند. وی تأکید می‌کند کسی که در جمهوری اسلامی می‌خواهد مسئولیتی را احراز کند، شرط اساسی آن اعتقاد حقیقی و عملی به ولایت فقیه است. در مورد مصادیق اعتقاد عملی می‌نویسد... نصیحت او را بشنوید، با جان دل به توصیه و تذکرات او به عنوان طیب حقیقی شرعی و عملی، عمل کنید. وی با بیان دو نوع ولایت عملی و قانونی، این دو را متفاوت از هم می‌داند، به این معنا که ولایت قانونی را خاص عموم افراد می‌داند و در مورد ولایت دوم می‌نویسد: «ولایت عملی مخصوص مسئولین است که می‌خواهند بار مهم کشور را بر دوش بگیرند، آن هم کشور اسلامی با این همه شهید.

با توجه به کثرت جناح‌گرایی و حوزه نفوذ جریان‌های سیاسی در ایران بعد از انقلاب اسلامی، شهید سلیمانی از محدود شخصیت‌ها و نظامیانی بود که درگیر منازعات جناحی نشد. وی جناح‌ها را به میزان ارتباط، حمایت و پیروی از رهبری مورد سنجش قرار می‌داد و تبعیت افراد و جناح‌ها را با محوریت رهبری می‌سنجید و از آنان دعوت می‌کرد که حول خیمه رهبری و زیر چتر او فعالیت کنند. تحلیل محتوای وصیت‌نامه وی گویای تلاش برای ایجاد هم‌افزایی در ایران با محوریت رهبری است.

ولایت فقیه و نیروهای مسلح از منظر شهید سلیمانی

نیروهای مسلح در هر کشور از اهمیت راهبردی برخوردارند. در جمهوری اسلامی ایران به رغم تعدد نیروهای مسلح (ارتش، سپاه، بسیج، نیروی انتظامی) ولی براساس قانون اساسی تمامی امور مربوط به این نیروها از قبیل اعلان جنگ، صلح، بسیج نیروها، نصب، عزل و قبول استعفا فرماندهان این نیروها، در حوزه وظایف و اختیارات عالی‌ترین مقام رسمی کشور یعنی رهبر قرار دارد (قانون اساسی، اصل ۱۱۰) به این ترتیب فرمانده کل نیروهای مسلح رهبر است.

شهید سلیمانی که خود یک نظامی بود و دوران طولانی از عمر خود را در نیروهای مسلح سپری کرد، بیش از هرکسی به توانمندی‌ها، استعدادها، ضعف‌ها و آسیب‌های نیروهای مسلح آگاه بود و لذا دغدغه این مجموعه را داشت از نظر همراه با تجربه عینی او، شرط خلل‌ناپذیر و اصیل در نیروهای مسلح «ولایت‌مداری» است. و لذا در وصیت‌نامه خود خطاب به برادران ارتشی و سپاهی می‌نویسد: «... ولایت در نیروهای مسلح جزء نیست، بلکه اساس بقا و نیروهای مسلح است». وی خود الگویی ولایه از یک نظامی بود و در نامه به رهبری در خصوص پایان سیطره داعش، «خود را سرباز مکلف شده از طرف رهبری» قلمداد می‌کند (نامه ۱۳۹۶/۸/۳۰) و در پاسخ به پیام تسلیت رهبری به مناسبت فوت والده، خود را «آماده جانفشانی در راه رهبری» (نامه ۱۳۹۲/۶/۲۲) معرفی می‌نماید.

نتیجه‌گیری

ذهن و رفتار شهید قاسم سلیمانی در مکتب اسلام و ائمه (ع) و تحت رهبری امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای در چارچوب دکترین ولایت فقیه شکل گرفت. ولایت‌پذیری را فراتر از مباحث تئوریک رایج به گونه‌ای بدیع ترجمه و تجربه کرد. دال مرکزی و کلیدواژه مهمترین متن مکتوب وی، ولایت فقیه است. تحت‌تأثیر هر دو ولی فقیه دوران خود (امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای) قرار داشت و لذا از آنان به نیکی یاد می‌کند و از اینکه زمانه آنها را درک کرده است، شاکر خداست. براساس یافته این پژوهش، زیست ولایه او و اعتقاد عملی و التزامی به ولایت فقیه مهمترین ویژگی شهید سلیمانی است. این جنبه الگودهی، ظرفیتی بی‌بدیل است که می‌تواند در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی فرا راه همه آزادگان و ولایت‌مردان قرار گیرد. از نظر او ولایت فقیه در امتداد ولایت و حاکمیت خدا، رسول خدا (ص) و ائمه (ع) است. شهید سلیمانی در بعد نظری و پذیرش این اندیشه و به‌ویژه در بعد عملی از محدود مدافعان راستین ولی فقیه زمانه خود بود و جایگاه خود را از این منظر نسبت به ولی فقیه بسان جایگاه مالک اشتر نسبت به امام علی (ع) می‌دانست.

تقدیر و تشکر

بدینوسیله از معاونت محترم پژوهشی دانشگاه شهید باهنر کرمان به خاطر حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی.
 نهج‌البلاغه، ترجمه دکتر شهیدی.
 اشرفی، اکبر (۱۴۰۱). جایگاه ولایت در مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی. مشرق موعود، ۶۱-۲۳۶-۲۰۱.
 اکبری مزادآبادی، علی (۱۳۹۸). ذوالفقار، برش‌هایی از خاطرات شفاهی حاج قاسم سلیمانی. تهران، یا زهرا، چاپ ششم.
 النراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۳۷۵ ش - ۱۴۱۷ ق). عوائد الایام. قم، مرکز النشر التابع للمکتب الاعلام الاسلامی.
 جهان بزرگی، احمد (۱۳۷۸). درآمدی بر نظریه دولت در اسلام. تهران، کانون اندیشه جوان.
 سلیمانی، قاسم (۱۳۹۸). وصیت‌نامه.
 سلیمانی، قاسم (۱۳۹۲). پاسخ به پیام آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص فوت مادر.
 سلیمانی، قاسم (۱۳۹۶). نامه به آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص پایان سیطره داعش.
 عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۳). فقه سیاسی. جلد دوم، نظام سیاسی و رهبری در اسلام، تهران، امیرکبیر. چاپ سوم.
 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸). تدوین جهانگیر منصور. تهران، نشر دوران، چاپ پنجاه و یکم.
 موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۲۳). کشف اسرار. قم، انتشارات آزادی.
 موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۳). ولایت فقیه (حکومت اسلامی). تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
 موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۶۹). شئون و اختیارات ولی فقیه. ترجمه مبحث ولایت فقیه از کتاب البیع، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
 واعظی، احمد (۱۳۸۵). حکومت اسلامی (درسنامه اندیشه سیاسی اسلام). قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.

أسلوب حياة الولائي الشهيد قاسم سلجاني

عليرضا زمزم* 

معلومات المادة	خلاصة
نوع المقال: مقال بحثي	تدرب الشهيد قاسم سلجاني في مدرسة الأئمة (ع) في إطار المدرسة الفكرية التي قدمها الإمام الخميني (رض) وآية الله الخامني ومن جوانب سلوكه قبول الشهيد سلجاني وقد أثارت العديد من المناقشات النظرية من قبل الخبراء والفقهاء حول المقاطعة وقبول المقاطعة لقد ترجم الشهيد سلجاني الولاية من وجهة نظر أخرى ويمثل جديد هو أبرز من غيره وبهذا المنهج يتناول هذا المقال قبول الولاية في مدرسة الشهيد سلجاني، ليكون موقفه ومساره العملي وأسلوب حياته كحاكم بمثابة نور ساطع لكل المحافظين، ومن منجز المكتبة ومضمونها تحليل أعماله المكتوبة ويرى المؤلف أنه كان من القلائل المدافعين والمؤيدين لهذه الفكرة، بالإضافة إلى معرفته العميقة بهذه القضية الدينية، أي ولاية الفقيه سلوكه العملي خلال فترة الدفاع المقدس وقيادة فيلق القدس يسير على خطى الفقيه الديني في ذلك الوقت، وهو ما يفسر بذاته هذا النمط من الخدمة العسكرية للشهيد سلجاني.
الكلمات الرئيسية:	
قاسم سلجاني، ولاية الفقيه، الإمام الخميني (رض)، آية الله خامني، نمط الحياة.	
تاريخ الاستلام: ٤ ذوالقعدة ١٤٤٥	
تاريخ المراجعة: ٢٥ ذوالحجة ١٤٤٥	
تاريخ القبول: ٤ محرم ١٤٤٦	
تاريخ النشر على الإنترنت: ٦ ربيع الأول ١٤٤٦	
	

إقتباس: زمزم، عليرضا (١٤٠٣). أسلوب حياة الولائي الشهيد قاسم سلجاني. مجلة مدرسة الحاج قاسم سلجاني التعليمية، ١(١)، ١٦٤-١٥٩.

الناشر: جامعة الشهيد باهنر كرماني

DOI: 10.22103/mhq.2024.23414.1018

©The Author(s)